

نام پرستار با شخصیت عظیم و گرانقدری همچون حضرت زینب سلام الله علیها گره خورده. نقش آفرینی این قشر متعهد در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بی نظیر بوده است. به طوری که دوران دفاع مقدس شاهد ایثارگری و رشادت های بانوان رزمنده ای بود، که نقش بسزایی در پشتیبانی از رزمندگان داشتند و چه بسا که خود در این راه به مجروحیت، اسارت یا شهادت می رسیدند. روایت جهادگری پرستاران و امدادگران در آن برهه حساس تاریخی وجهه دیگری از الگوی زن مسلمان و انقلابی را بازآفرینی می کند که در همه عرصه ها حضور فعال و مثمر ثمر دارد.

در روزهای آغازین جنگ تحمیلی، بخشی از بانوان خرمشهری به حمل مجروحین جنگی از خط مقدم به عقب مشغول بودند. خانم آمنه وهاب زاده از جمله امدادگرانی است که در زمان های مورد نیاز برای حمل و به عقب آوردن مجروحین به خط مقدم می رفت و در یکی از همین نقل و انتقالات مجروح شد.

وی در این زمینه می گوید: «اولین مجروحیت من برمی گردد به شبخون رژیم بعث به ایستگاه عملیات آبادان که بسیاری از بچه های رزمنده شهید شدند. آن شب پس از حمله عراقی ها به گروه امدادی بی سیم زدند که آمبولانس اعزام کنند، ولی آمبولانس به مأموریت رفته بود، وقتی هم که آمبولانس آمد راننده آنقدر خسته و زخمی بود که نمی توانست دوباره اعزام شود. برای همین خودم با سرعت سوار آمبولانس شدم و به طرف منطقه به راه افتادم.

وقتی به آنجا رسیدم با صحنه تکان دهنده ای روبه رو شدم. همه بچه ها شهید شده بودند و آنهایی هم که نفس می کشیدند آنقدر خون زیادی از بدن شان رفته بود که کاری از دست من بر نمی آمد. در این میان یک مجروح خیلی وضعیت وخیمی داشت و من به هر زحمتی بود او را سوار آمبولانس کردم. رزمنده زخمی به زحمت لب هایش را تکان داد و گفت: امدادگر. گفتم: بله. بعد گفتم: راننده آمبولانس. گفتم: بله منم. بعد بیهوش شد.

در همین لحظه یکی از رزمنده ها که جان سالم به در برده بود و تنها از کتفش خون می آمد، جلو آمد و گفت: خواهرم شما به مجروح برسید، من رانندگی می کنم. از بد حادثه راننده آمبولانس مسیر برگشت را فراموش کرد و با وجود اینکه نباید چراغ آمبولانس را در شب روشن کرد، این کار را انجام داد که با روشن شدن چراغ آمبولانس عراقی ها ما را به گلوله و خمپاره بستند. آنقدر آتش زیاد بود که صدای خودم را نمی شنیدم، فقط احساس کردم شکمم می سوزد.

وقتی به بیمارستان پتروشیمی رسیدیم آنقدر به آمبولانس شلیک شده بود که مجبور شدند برای بیرون آوردن ما درب آمبولانس را اهر کنند. وقتی درب آمبولانس باز شد دکتر گفت: «این خواهر که متعلقات شکمش روی زمین ریخته...» آن وقت بود که بیهوش شدم».

زندگانی حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب کبری علیها السلام در روز پنجم جمادی الاولی سال پنجم یا ششم هجری قمری در شهر مدینه منوره متولد گردیده و جهان را به قدم خویش مزین فرمودند.

روزهایی بر حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها گذشت که بر اساس دردهای فراوان از جمله: شکسته شدن پهلوی، ورم بازو، صورت سیلی خورده و سقط جنین، حدود نود روز بستی بود. ناگفته پیداست که چنین بیماری، نیاز به پرستار دارد، لذا حضرت زینب در سن پنج سالگی از مادر پذیرایی و پرستاری می کرد و متأسفانه طولی نکشید که به فراق مادر مبتلا گردید.

پس از شهادت مادر بزرگوارش، پرستاری علی ابن ابیطالب را تا به هنگام شهادت آن حضرت برعهده داشته است.

روش زینب سلام الله علیها در طول زندگی نشانه ای از تعالیم اصلی اسلام راستین است.

زینب سلام الله علیها از نبوغ ذاتی خویش در پرستاری همراهان برادر بزرگوارش حسین علیه السلام در طول سفر از مدینه به مکه و از مکه به کربلا و از هنگام پیکار سخت عاشورا و مراقبت از امام سجاد در شب عاشورا که بیمار بود تا به هنگام اسارت و از اسارت تا زمان بازگشت به مدینه با متانت و مهربانی از کودکان و بیماران کاروان حسینی و مصدومان و مجروحان پیکار عاشورا پرستاری کرد.

بدر تقی زاده، زینب بانوی ماندگار تاریخ، ص ۹۲

نشانی: خیابان کارگر جنوبی - پایین تر از چهارراه لشکر - روبروی دانشگاه پردیس علامه طباطبائی - کوچه شهید علی غیاثوند قیصری - بن بست آریا - پلاک ۶

شماره تماس: ۰۲۱-۵۵۴۸۲۰۲۵

درگاه الکترونیکی: <http://www.osveh.org>

کانال تلگرام: osveh_org

تبدیل حجب و عفاف زنانه، به عزت مجاهدانه

در جمهوری اسلامی روز پرستار را با ولادت حضرت زینب کبری سلام‌الله‌علیها برابر قرار داده‌اند؛ این هم معنای بزرگی دارد. زینب کبری یک نمونه برجسته تاریخ است که عظمت حضور یک زن را در یکی از مهم‌ترین مسائل تاریخ نشان می‌دهد. اینکه گفته می‌شود در عاشورا، در حادثه کربلا، خون بر شمشیر پیروز شد - که واقعاً پیروز شد - عامل این پیروزی، حضرت زینب بود؛ والا خون در کربلا تمام شد.

حادثه نظامی با شکست ظاهری نیروهای حق در عرصه عاشورا به پایان رسید، اما آن چیزی که موجب شد این شکست نظامی ظاهری، تبدیل به یک پیروزی قطعی دائمی شود، عبارت بود از منش زینب کبری؛ نقشی که حضرت زینب بر عهده گرفت؛ این خیلی چیز مهمی است. این حادثه نشان داد که زن در حاشیه تاریخ نیست؛ زن در متن حوادث مهم تاریخی قرار دارد. قرآن هم در موارد متعددی به این نکته ناطق است؛ لیکن این مربوط به تاریخ نزدیک است، مربوط به امم گذشته نیست؛ یک حادثه زنده و ملموس است که انسان زینب کبری را مشاهده می‌کند که با یک عظمت خیره‌کننده و درخشنده‌ای در عرصه ظاهر می‌شود. کاری می‌کند که دشمنی که به حسب ظاهر در کارزار نظامی پیروز شده است و مخالفین خود را قلع و قمع کرده است و بر تخت پیروزی تکیه زده است، در مقر قدرت خود، در کاخ ریاست خود، تحقیر و ذلیل شود، داغ ننگ ابدی را به پیشانی او می‌زند و پیروزی او را تبدیل می‌کند به یک شکست؛ این کار زینب کبری است.

زینب سلام‌الله‌علیها نشان داد که می‌توان حجب و عفاف زنانه را تبدیل کرد به عزت مجاهدانه، به یک جهاد بزرگ.

آنچه که از بیانات زینب کبری باقی مانده است و امروز در دسترس ماست، عظمت حرکت زینب کبری سلام‌الله‌علیها را نشان می‌دهد. خطبه فراموش‌نشده زینب کبری در بازار کوفه یک حرف‌زدن معمولی نیست، اظهارنظر معمولی یک شخصیت بزرگ نیست؛ یک تحلیل عظیم از وضع جامعه اسلامی در آن دوره است که با زیباترین کلمات و با عمیق‌ترین و غنی‌ترین مفاهیم در آن شرایط بیان شده است.

قوت شخصیت را ببینید؛ چقدر این شخصیت قوی است. دو روز قبل در یک بیابان، برادر او را، امام او را، رهبر او را با این همه عزیزان و جوانان و فرزندان و اینها از بین برده‌اند، این جمع چند ده نفره زنان و کودکان را اسیر کرده‌اند، آورده‌اند در مقابل چشم مردم، روی شتر اسارت، مردم آمده‌اند دارند تماشا می‌کنند، بعضی هلهله می‌کنند، بعضی هم گریه می‌کنند؛ در یک چنین شرایط بحرانی، ناگهان این خورشید عظمت طلوع می‌کند؛ همان لحنی را به کار می‌برد که پدرش امیرالمؤمنین علیه‌السلام بر روی منبر خلافت در مقابل امت خود به کار می‌برد؛ همان جور حرف می‌زند؛ با همان جور کلمات، با همان فصاحت و بلاغت، با همان بلندی

مضمون و معنا:

«یا اهل الکوفه، یا اهل الغدر و الختل»؛

ای خدعه‌گرها، ای کسانی که تظاهر کردید! شاید خودتان باور هم کردید که دنباله‌رو اسلام و اهل‌بیت هستید، اما در امتحان این‌چور کم آوردید، در فتنه این‌جور کوری نشان دادید.

«هل فيكم الا الصلف والعجب والسَّنف والكذب و ملق الاماء و غمز الاعداء»؛ شما رفتارتان، زبان‌تان با دل‌تان یکسان نبود. به خودتان مغرور شدید، خیال کردید ایمان دارید، خیال کردید همچنان انقلابی هستید، خیال کردید همچنان پیرو امیرالمؤمنین علیه‌السلام هستید؛ در حالی که واقع قضیه این نبود. نتوانستید از عهده مقابله با فتنه بریابید، نتوانستید خودتان را نجات دهید. «مثلکم کمثل الّتی نقضت غزلها من بعد قوّة انکاثا»؛ مثل آن کسی شدید که پشم را می‌ریسد، تبدیل به نخ می‌کند، بعد نخ‌ها را دوباره باز می‌کند، تبدیل می‌کند به همان پشم یا پنبه نریسیده.

با بی‌بصیرتی، با نشناختن فضا، با تشخیص‌ندادن حق و باطل، کرده‌های خودتان را، گذشته خودتان را باطل کردید. ظاهر، ظاهر ایمان، دهان پر از ادعای انقلابی‌گری، اما باطن، باطن پوک، باطن بی‌مقاومت در مقابل بادهای مخالف. این، آسیب‌شناسی است.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور، ۱۳۹۸/۲/۱

پیامد خطابه‌های زینب سلام‌الله‌علیها

اگر نگاهی دقیق و عمیق به خطابه‌های آن حضرت داشته باشیم ملاحظه می‌کنیم که جز قرآن و تفسیر آن چیز دیگری نیست و او با بیان آیات قرآنی و تاریخ اسلام، علم و درایت کم‌نظیر خود را به نمایش می‌گذارد. خطبه‌های آن بانوی بزرگوار جز در بیان مقام توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت نبود، او حتی فروع دین را در سخنان خویش جای داده بود، آیا از دختر قهرمان علی علیه‌السلام و فرزند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله جز این انتظاری می‌رفت؟!

از زینب علیها‌السلام و از تلاش‌هایش بسیار سخن گفته‌ایم، از سحر سخنش، از نفوذ کلامش، از مشی و روش او بسیار حرف زده‌ایم و هم گفته‌ایم که او در مسیر انجام رسالت و در نشر رسالت خون و پیام چه دشواری‌هایی دید و چه سختی‌هایی را متحمل شده بود.

اما حاصل این مبارزات چه بود و رسالت عاشورایی زینب چه پیامدهایی داشت؟

۱- رسوایی یزید و همراهان و ملامت مردم

دشمن در تصمیم‌گیری برای قتل حسین علیه‌السلام و اسارت خاندانش تند پیش رفت، آنها فکر می‌کردند با کشتن او میدان خالی می‌شود و آنها به

هر گونه‌ای که بخواهند می‌توانند بروند و بچرند.

سخنرانی زینب کبری علیها‌السلام و برملاکردن وضع و حال و جریان، مردم را به وضع خود و حکومت خود آشنا کرد. آتشی از خصومت و کینه در درون‌شان به وجود آورد که حاصل آن ابراز نفرت علنی و آشکار به خاندان بنی‌امیه و لعن و تکفیر آنان و تبری از آنان بود.

مگر گریه‌ها و اشک‌های مردم در حین سخنرانی آن بانوی گرانقدر در کوفه برای دستگاه ارزان تمام شد. از هر کلمه آن صدها قامت رویی و هزاران زبانه از شعله‌های خشم و انتقام و نفرت در آنان بر افروخت که بعدها آتش خرمن بنی‌امیه بود.

کار عمر سعد به جایی کشید که وقتی در کوچه راه می‌رفت کودکان کوفه او را به هم نشان می‌دادند و می‌گفتند او قاتل حسین علیه‌السلام است. آنها خسرالدنیا و الآخره شدند و آبرویی در میان مردم برای خود نگذاشتند.

۲- ثبت تاریخ عاشورا

یکی از پیامدهای بسیار مهم عقیده بنی‌هاشم در طول مدت اسارت، ثبت تاریخ عاشورا و ابدیت بخشیدن به مسئله نهضت حسینی است. او ضمن بیان حوادث و وقایع در قالب سخنرانی‌ها، مرثیه‌خوانی‌ها، حادثه‌گویی‌ها، بحث‌ها و انتقادات، جریان کربلا را در تاریخ ثبت کرد و آن را جاودانه ساخت.

۳- رساندن پیام شهیدان کربلا

خونی که در کربلا بر زمین ریخت درخت اسلام را آبیاری نمود. در همه‌جا جوشید و در همه اماکن آن روز و روزگاران بعد قیام آفرید. زینب علیها‌السلام به عنوان پرچمداری پیام‌رسان، پیام آن خون را به گوش همه مردم رسانید. انقلاب‌ها و نهضت‌های بعدی را جهت داد و به مردم فهماند که با چه کسانی باید مبارزه کرد، دشمن بدبخت نمی‌دانست چه بذرهایی را آبیاری می‌کند و به گفته دختر علی علیه‌السلام دارد پوست خود را می‌کند. دشمن، خون در دل شیعیان ریخت و به تعبیر زینب، جگر رسول خدا را سوزاند، اما ناخودآگاه گور خود را کند و زمینه نابودی خود را فراهم کرد.

زینب علیها‌السلام شرافت و تقوا، عفت و حیا، وفاداری به پیمان، راه و رسم حیات عقیدتی، شیوه با شرف‌زیستن، تاریخ اسلام، اندیشه حیات راستین و واقعی زن و در یک کلمه دین را احیا کرد.

زینب معجزه کرد، در انجام رسالتش همگام با حسین علیه‌السلام آمد تا بعد از حسین با خطبه‌ها و سخن‌های فصیح و گهر بارش، پیام خون و شهادت را به گوش‌ها برساند و قیام‌آفرینی کند.

مهدی رحمانی، کارشناس قرآنی اداره تبلیغات اسلامی قم